

بازکاوی روایت چوپان و گرگ

چوپان فریاد برآورد: گرگ!
تمام روستاییان بدانجا شتافتند!
گرگی در میان نبود
تا
مقصر تمام نگون بختی‌های روستاییان شود!
به اعترافِ چوپان ساده‌دل
روستا غرق در دروغ بود
ندای گرگ! گرگ!
او
بهانه‌ای شد
در یافتن
مقصری سرپا تقصیر!
گرگ به طبیعت خود وفادار است
روستا هنوز به خودش دروغ می‌گوید!